

بررسی آینده دانشگاه‌ها در برنامه هفتم توسعه

## سخن ثبوتی در پنل بیست‌ونهم میز آینده‌پژوهی آموزش عالی

مرداد ۱۳۹۹

من از فرمایشات آقای دکتر فراستخواه آقای دکتر خاکی صدیق و همچنین آقای دکتر مکنون خیلی چیزها آموختم. فرمایشات ایشان با پس‌زمینه فکری بنده خیلی هم‌آهنگ بود. بنده می‌خواهم نکاتی که الان گفته شده و همه شنیده‌اند بعد بزرگتری بدهم. جامعه دانشگاهی ما شامل دانشجویان، اساتید و کادر خدماتی در



بین چهار و نیم تا پنج میلیون است. یعنی نزدیک به یک بیستم جمعیت کشور. اگر در جامعه نظرخواهی کنیم که استاد دانشگاه یا دانشجو چه احترامی نسبت به بقیه افرادی که در این کشور هستند دارد فکر می‌کنم در نظرخواهی در ردیف‌های اول باشند. آدم‌های قابل اطمینانی هستند درست‌کارتر از بقیه هستند و منطقی‌تر و معقول‌تر هستند. فکر می‌کنم جامعه هم اینگونه قضاوت می‌کند. ولی اگر به محدودیت‌هایشان نگاه بکنیم از نظر مانور اقتصادی امکاناتی در اختیارشان هست که با تعدادشان در جامعه اصلاً قابل مقایسه نیست. حتی به اندازه یک هزارم اقتصاد جامعه امکاناتی در اختیار ندارند. از نظر تصمیم‌گیری اداری و سیاسی باز به همین ترتیب است. همه این‌ها را بنده در این قالب ارزیابی می‌کنم چه جامعه به دانشگاه‌هایش اعتماد نمی‌کند. نظام سیاسی و نظام حکومتی دانشگاه‌ها را به بازی نمی‌گیرد یا اقلان کمتر به بازی می‌گیرد. و بسیاری از گلايه‌هایی که ما می‌گوییم و می‌شنویم من در این مقوله می‌گذارم. آقای دکتر مکنون فرمودند که دانشگاه نباید برای اندیشیدن سقف داشته باشد. بنده می‌خواهم بگویم که نباید دیوار داشته باشد. تمام دانشگاه‌های ما دور و برشان دیواری وجود دارد اقلان دو متر با اجر یا با پرچین نرده‌ای که ورود و خروج باید از جلوی نگهبانان انجام بگیرد و اگر دانشجو نیستید و کارت دانشجویی ندارید باید به نگهبان توضیح دهید که چرا وارد دانشگاه می‌شوید چه کسی را می‌خواهید ببینید که من پیرسم بینم آیا شما را پذیرا هستند یا خیر. این سبک اداره دانشگاه‌ها در دنیا نیست. هیچ کدام از دانشگاه‌های بزرگ دنیا الان دیوار ندارند یا اگر شما الان یک دانشگاه قرن نوزدهم را در انگلیس پیدا کنید که هنوز نرده‌های آهنی‌اش را دارد به خاطر این است که می‌خواهد سنت خود را حفظ کند و گرنه این همه نگهبان در جلوی دانشگاه‌هایش ندارد. به یاد بیاورید که زمانی پارک‌های ما هم به همین ترتیب بود ولی آدم‌های با جرئتی توصیه کردند که اگر پارک برای

مردم است پس دیوارهایش را بردارید. دیوارهای آن برداشته شد و هیچ مشکلی هم پیش نیامد. نگهبانان دانشگاه باید از دم در برداشته شوند. و حساب کنید و ببینید که چقدر در هزینه‌هایی که انجام می‌گیرد صرفه‌جویی می‌شود. و هزینه‌های آن را می‌توانیم در جاهای دیگر مصرف کنیم. نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم می‌خواهم به ریشه‌های تاریخی آن برگردم. شما اگر به تاریخ نگاه کنید کلمه (کلات یا قلعه) را فراوان می‌بینید. در قدیم به خاطر تامین امنیت هر چند صد نفر یا دویست نفر که به صورت یک روستا بود یک دیوار دورشان قرار داشتند و به نام کلات و قلعه و فلان خوانده می‌شد. همچنین در شهرهای بزرگ هم دیواری وجود داشت و خندق‌هایی داشتند. الان دیوارها و خندق‌ها در شهرها برداشته شده‌اند. ولی در داخل این شهرها برای دانشگاه‌ها، ادارات، صنایع و پارک‌ها همین دیوارها را نگه داشته‌ایم. وقت این است که این دیوارها برداشته شوند و بگذاریم که مردم بدانند که در دانشگاه چه می‌گذرد.

نکته دومی که می‌خواهم عرض کنم که باز هم در این مورد متاثر از جامعه هستیم روز اولی که ما خواستیم مدرن شویم و مثل اروپایی‌ها مملک را اداره کنیم سراغ قانون رفتیم آن را کپی کردیم و آن‌ها را آوردیم ولی بخش نظارتی قانون را بسیار بسیار غلیظ‌تر از بخش هدایتی و راهنما بودن تلقی کردیم. به طوری که در حال حاضر از بدنه تمام نهادهای دولتی که داریم ارزیابی من این است که دو سوم آن‌ها برای این است که به یک سوم دیگر نظارت کنند که کاری درست انجام بگیرد سوءاستفاده مالی نشود سوءاستفاده اداری نشود رانت‌خواری و پارتی‌بازی صورت نگیرد و آن وقت هم متوجه می‌شویم که وضع ما به این ترتیب است. وجه راهنما بودن و کارگشا بودن قانون را ما بسیار بسیار کم‌رنگ در این کشور داریم. از روز اول هم همین‌گونه بوده است ربطی به جمهوری اسلامی ندارد قبل از آن هم همین‌طور بود. در حال حاضر هم ما به این نقطه هیچ توجهی نمی‌کنیم.

قانون باید وجه راهنما باشد. آیین‌نامه باید به کارمند آموزش داده شود که این آیین‌نامه برای راه انداختن کار مراجعین شما است نه برای اینکه شما آن را بهانه‌ای تلقی کنید که چطور کاری کنید که مراجع را از سر خود باز کنید. از نظر بنده آفت بزرگی که در کل کشور ما وجود دارد و دانشگاه‌ها هم تا اندازه زیادی متاثر از این آفت هستند و راه چاره‌ای که بنده برای آن پیشنهاد می‌کنم این است که برای کارمندان یک آموزش قرار دهیم. آیین‌نامه برای این است که شما کار ارباب رجوع را راه بیاندازید نه بهانه‌ای در دستان شما برای باز کردن مردم از سر خود. چنین آموزشی به هیچ کارمندی و در هیچ جایی برای کارمند دولتی در این کشور دیده نمی‌شود. ما کمتر به همدیگر اعتماد می‌کنیم. زیاد با همدیگر دعوا می‌کنیم. در گفته‌هایمان کلماتی که به کار می‌بریم دائماً منفی است. معنای آن این است که زمانی که متاسفانه این کلمات را به کار می‌بریم از چیزی ناراضی هستیم. بایستی تا حدودی خوشبینانه نگاه کرد و اگر عیب‌های کلانی هم در کسی می‌بینیم در مقابل او آدم‌های زیادی را می‌بینیم که نشسته‌اند مار خود را انجام می‌دهند در حالی که وظیفه خود را می‌کنند. چرا ما هیچ وقت این‌ها را در جامعه نمی‌بینیم و چرا این‌ها را برجسته نمی‌کنیم که بگوییم بله اگر هزار عیب برای این

مملکت می‌شماریم هزاران نکات مثبتی هم هست که آن‌ها را هم باید ببینیم. اگر چنین کاری کنیم آن وقت در دانشگاه‌ها و وزارت کشورمان نقاط قوت زیادی را پیدا خواهیم کرد.

تعامل جامعه با دانشگاه‌ها و متقابلاً دانشگاه‌ها با جامعه خیلی مطلوب نیست. اتفاقاً از نظر بنده الان که ما تعامل بین‌المللی ایجاد کرده‌ایم ارتباط دانشگاه‌های ما با دانشگاه‌های بیرون خیلی بیشتر از دانشگاه‌های داخل کشور با همدیگر است. دیروز در جلسه‌ای که آقای دکتر صدیق هم تشریف داشتند نکته‌ای را در جلسه ارتقا دانشگاه‌ها به سطح بین‌المللی عرض کردم و آن اینکه دانشگاه‌های ما بین‌المللی‌تر هستند از این که ملی باشند. با همدیگر همکاری کمتری می‌کنند. دانشگاه یک شهر با دانشگاه‌های شهرهای دیگر کمتر تعادل دارد یا مثلاً با کانادا و انگلیس یا با چین و استرالیا. اگر بتوانیم اینها را فراهم کنیم بهتر خواهد شد. سبک هیئت امنا اداره کردن در ایران درست فهمیده نشده است. اگر مثلاً دانشگاه شیکاگو به صورت هیئت امنایی اداره می‌شود به این علت است که دانشگاه شیکاگو از هر لحاظ آزادی عمل دارد. کسی نمی‌تواند به آن امر و نهی کند. هیئت امنا فقط برای این است که عملکرد دانشگاه را ارزیابی کند. اگر خوب عمل کرد از رئیس دانشگاه، معاونین و اساتیدش تقدیر می‌شود. اگر در جایی نقطه ضعفی دید فوراً مسئول آن قسمت به آدم قابل‌تری تبدیل می‌شود. این روش هیئت امنا در دنیا است. ولی ببینید ما به چه صورت داریم به آن عمل می‌کنیم. اولاً سالی دو سه بار برای دانشگاه‌ها هیئت امنا داریم. اول از همه آیین‌نامه‌هایی که وزارت علوم در اختیار ما گذاشته مورد بررسی قرار می‌دهیم. دوم نوع مسائلی که به هیئت امنا می‌آید است مثلاً فلان کسی را که استخدام کرده‌ایم الان می‌خواهیم رسمی کنیم که مثلاً پنج سال از فعالیتش گذشته هیئت امنا باید آن را اجازه دهد. یا مثلاً برای فلان گروه می‌خواهیم حقوق اضافه کنیم باید هیئت امنا به آن اجازه دهد. ما هیأت امنا را به یک ارگان قانونگذاری تبدیل کرده‌ایم آن هم در چارچوب بسیار محدودی که از چارچوب وزارتخانه نباید تجاوز کند فقط صرفاً وسیله‌ای است برای زمانی که اگر قرار است دانشگاه مورد بازرسی قرار گیرد بازرس نگوید که چرا این کار اینگونه انجام شد و چرا اینگونه یا آنگونه رفتار نکردید. اینها نکات کلی‌ای است که به نظر بنده رسید و گرنه به قدر کافی در بالا بردن استاندارد دانشگاه‌ها و به روز کردن برنامه‌های آموزشی و اشراف به مسائل تکنیکی و تکنولوژیکی که در سطح دنیا می‌گذرد به قدر کافی استادان و اساتید دانشگاهمان توانایی و دانش لازم را دارند که ما نتوانیم اینها را مشکل به حساب بیاوریم. مشکل، نرم‌افزار در اداره کردن جامعه که دانشگاه‌ها هم متاثر از آن هستند را می‌بینم.

تشکر می‌کنم.